

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١١٣٤٩.



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

رشته فلسفه و کلام اسلامی

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های انسان‌شناسانه مولانا جلال‌الدین رومی و

کرگتور

استاد راهنما:

دکتر امیرعباس علیزمانی

استاد مشاور:

دکتر محسن جوادی

نگارش:

مجتبی پنجه‌شاهین

۱۳۸۸ / ۳ / ۳۱

اسفند ۱۳۸۷

اطلاعات درک علمی بزرگ
تسبیح درک

۱۱۳۴۶۰



بریت

تاریخ: ۲۲/۲/۸۸

شماره: ۱۰۶۲۴۲۴

پیوست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل... تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: پنجه شاهین مجتبی

به شماره دانشجویی: ۸۵۲۳۲۰۰۹۰۳

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

تحت عنوان: بررسی مقایسه ای دیدگاههای انسان شناسانه مولانا جلال الدین رومی و کرگلور

با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۵/۱۲/۸۷ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۹/

نمره به حروف نوزده و نیم را با درجه عالی دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	نام و نام خانوادگی	سمت
علی زمانی امیر عباس	استاد راهنما	استادیار	رئیس هیات داوران
جوادی محسن	استاد مشاور	دانشیار	عضو هیات داوران
ایزدیناه عباس	استاد ناظر	استادیار	عضو هیات داوران
مهر آوران محمود	استاد ناظر	استادیار	عضو هیات داوران

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء

مکان:

قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم

کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

وخت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

وخت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

وخت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

تقدیریم به:

پدرم که اسوهٔ مهربانی بود،

مادرم که همواره مشوقم برای ادامه تحصیل بوده است،

و

همسرم که در انجام این پژوهش یاری‌ام نمود.

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا نمود. بر خود لازم می‌دانم از تمامی استادان بزرگوار، بویژه استادان دوره کارشناسی ارشد که در طول سالهای گذشته من را در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نمودند تقدیر و تشکر نمایم. از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر علیزمانی که راهنمایی اینجانب را در انجام پژوهش و نگارش این پایان‌نامه تقبل نموده‌اند نهایت تشکر و سپاسگذاری دارم. از جناب آقای دکتر جوادی که با مشاوره‌های ارزشمند خویش به پربارتر کردن این پژوهش کمک نمودند قدردانی می‌شود.

چکیده

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های انسان‌شناسانه مولانا جلال‌الدین رومی و کرکگور عنوان پایان‌نامه‌ای است که به تحریر درآمده است. در این پایان‌نامه موضوع انسان و ابعاد وجودی او، از دیدگاه مولوی و کرکگور بررسی شده است. انسان‌شناسی مولوی مبتنی بر دیدگاه‌های چهارگانه عرفانی، دینی، کلامی، و فلسفی می‌باشد. از نظر وی شناخت انسان همانند شناخت سایر پدیده‌های موجود این جهان هم ممکن است و هم ضروری، و از راه‌های مختلف می‌توان به آن دست یافت. مولوی اختیار و آزادی انسان را می‌پذیرد و همزمان بر حاکمیت مشیت و تقدیر قضا و قدر الهی بر جهان و انسان و افعال انسان تأکید می‌نماید. وی انسان را دارای دو ساحت جسم و جان می‌داند که هر کدام دارای ویژگیها و مراتبی هستند. مولوی عقل را تکریم کرده اما عقل‌گرایی را به شدت رد می‌کند و آن را نمی‌پذیرد و کرکگور بنیانگذار مکتبی است که تمام یا بیشتر مباحث آن مربوط به انسان و موضوعات انسانی است. انسان‌شناسی کرکگور بر اصولی چند مبتنی است از قبیل: رد تفکر آفاقی و فلسفی، تأیید و اثبات تفکر انفسی، بررسی مقولات وجود، رد عقل‌گرایی، ایمان و ماهیت آن.

کرکگور مدافع اصالت ایمان است. به نظر وی ایمان و متعلقات آن اموری متناقض و محال می‌باشد. ایمان آمیخته با عشق و اعتماد است. ایمان یک وضعیت راکد و ایستا نیست بلکه یک انتخاب مداوم و پویاست و در پایان باید گفت انسان از نظر این دو شخصیت موجودی است دوبعدی که دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است از قبیل ساحت جسم و جان؛ و راجع به مسأله عقل و ایمان و مراتب حیات دارای نقطه‌نظرهای مشابهی هستند.

یکی دیگر از تشابهات فکری این دو متفکر راجع به انسان مسأله عشق است که هر دو، هستی را سراسر عشق و مستی می‌دانند و رابطه انسان و خدا را رابطه عاشق و معشوق قلمداد می‌کنند. یکی دیگر از نکات مهم از نظر این دو اندیشمند، این است که هر دو از انسان آغاز کرده و تمام تلاش انسان را تکاپو برای رسیدن به وصال معشوق می‌دانند و در نهایت اینکه نظرات مشابهی راجع به انسان کامل و اصیل دارند.

کلیدواژگان: انسان؛ انسان‌شناسی؛ ساحت وجودی؛ ایمان؛ اگزستانسیالیسم

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱- کلیات	
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- کلیات تحقیق	۲
۳-۱- سئوالات تحقیق	۳
۴-۱- پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن:	۴
۵-۱- اهداف و کاربردهای تحقیق:	۴
۶-۱- روش انجام تحقیق:	۵
۲- انسان از دیدگاه مولوی	
۱-۲- «درباره مولوی»	۷
۱-۱-۲- زندگینامه:	۷
۲-۱-۲- آثار:	۹
۳-۱-۲- جهان بینی مولانا:	۱۱
۲-۲- داستان آفرینش انسان:	۱۲
۱-۲-۲- هدف خلقت انسان	۱۳
۲-۲-۲- احسان به خلق	۱۴
۳-۲-۲- اعمال و عبادات	۱۴
۴-۲-۲- فطرت انسان	۱۴
۳-۲- اهمیت و جایگاه وجودی انسان	۱۵
۱-۳-۲- انسان هدف نهایی خلقت:	۱۵
۲-۳-۲- آدمی عالم اکبر یا کبیر	۱۶
۳-۳-۲- انسان مظهر صفات الهی	۱۶
۴-۳-۲- برتری انسان بر ملائک	۱۷
۵-۳-۲- مقایسه انسان و دیگر موجودات	۱۷
۶-۳-۲- انسان موجودی ناشناخته و اسرار آمیز	۱۸
۴-۲- ساحت های وجودی انسان	۱۹

- ۱۹-۴-۱-۲-۱-۲ ساحت روح ۱۹
- ۱۹-۴-۱-۲-۱-۲ از دیدگاه فلاسفه: ۱۹
- ۱۹-۴-۱-۲-۲-۱-۲ تعریف و تقسیم روح ۱۹
- ۲۰-۴-۱-۲-۳-۱-۲ دیدگاه عرفا و مولوی ۲۰
- ۲۰-۴-۱-۲-۴-۱-۲ حقیقت روح و حدوث آن: ۲۰
- ۲۱-۴-۱-۲-۵-۱-۲ روح حیوانی و تفاوت آن با روح انسانی ۲۱
- ۲۲-۴-۱-۲-۶-۱-۲ مراتب و درجات جان آدمی ۲۲
- ۲۳-۴-۱-۲-۷-۱-۲ تاثیر آگاهی در روح انسان ۲۳
- ۲۳-۴-۱-۲-۸-۱-۲ اهمیت و منزلت روح ۲۳
- ۲۴-۴-۱-۲-۹-۱-۲ تنزل و ترقی روح: ۲۴
- ۲۶-۴-۱-۲-۱۰-۱-۲ فراق ارواح و شکوه ایشان ۲۶
- ۲۷-۴-۲-۲-۱-۲ جسم انسان (ساحت جسم) ۲۷
- ۲۸-۴-۲-۱-۲-۱-۲ ارتباط و مقایسه ساحت روح و جسم ۲۸
- ۲۸-۴-۲-۲-۲-۱-۲ ارتباط روح و جسم ۲۸
- ۲۹-۴-۲-۳-۲-۱-۲ مقایسه ساحت روح و جسم ۲۹
- ۳۰-۴-۳-۲-۱-۲ ساحت حس ۳۰
- ۳۰-۴-۳-۱-۳-۲-۱-۲ حواس ظاهر ۳۰
- ۳۱-۴-۳-۲-۳-۲-۱-۲ مقایسه حواس ظاهری و حواس باطنی ۳۱
- ۳۲-۴-۳-۳-۲-۱-۲ تغییر و تبدل حواس ۳۲
- ۳۳-۴-۴-۲-۱-۲ ساحت دل ۳۳
- ۳۳-۴-۴-۱-۴-۲-۱-۲ قلب از دیدگاه اهل معرفت ۳۳
- ۳۴-۴-۴-۲-۲-۴-۲-۱-۲ عظمت و منزلت دل و جایگاه آن در پیشگاه حق تعالی ۳۴
- ۳۴-۴-۴-۳-۴-۲-۱-۲ دل بارگاه الوهیت و عرش الله ۳۴
- ۳۴-۴-۴-۴-۴-۲-۱-۲ دل نظرگاه و منظور نظر حق ۳۴
- ۳۵-۴-۴-۵-۴-۲-۱-۲ دل آینه تجلی صفات جمال و جلال حق ۳۵
- ۳۶-۴-۴-۶-۴-۲-۱-۲ دل انسان جایگاه علوم و دانشها ۳۶
- ۳۸-۴-۴-۷-۴-۲-۱-۲ دل آدمی مأمن عشق معشوق ازلی ۳۸
- ۳۸-۴-۴-۸-۴-۲-۱-۲ معنی و مفهوم محبت و عشق ۳۸

- ۳۹.....انواع و درجات محبت و عشق ۹-۴-۴-۲
- ۴۱.....عظمت و اقتدار عشق ۱۰-۴-۴-۲
- ۴۳.....ارزش و اهمیت دل در قلمرو وجود آدمی ۱۱-۴-۴-۲
- ۴۳.....دل خلاصه وجود شخص انسانی ۱۲-۴-۴-۲
- ۴۳.....دل سلطان قلمرو وجود ۱۳-۴-۴-۲
- ۴۳.....رابطه قلب و قالب ۱۴-۴-۴-۲
- ۴۴.....قدمت محبت و عشق معشوق ازلی ۱۵-۴-۴-۲
- ۴۶.....ساحت عقل ۵-۴-۲
- ۴۶.....حقیقت عقل و چگونگی کارکرد آن ۱-۵-۴-۲
- ۴۶.....جایگاه خرد در وجود آدمی ۲-۵-۴-۲
- ۴۶.....اقسام عقل ۳-۵-۴-۲
- ۵۰.....نظارت عقول در اصل و سرشت ۴-۵-۴-۲
- ۵۱.....عظمت و منزلت عقل ۵-۵-۴-۲
- ۵۲.....در مقایسه عقل و عشق ۶-۵-۴-۲
- ۵۵.....ساحت نفس ۶-۴-۲
- ۵۵.....ماهیت و حقیقت نفس آدمی ۱-۶-۴-۲
- ۵۵.....مظاهر نفس در آثار مولوی ۲-۶-۴-۲
- ۵۶.....مظاهر نفس بهینی از دیدگاه مولوی ۳-۶-۴-۲
- ۵۷.....مظاهر نفس سبعی ۴-۶-۴-۲
- ۵۸.....مبارزه با نفس و هواهای نفسانی ۵-۶-۴-۲
- ۶۱.....مسأله جبر و اختیار ۵-۲
- ۶۲.....دلایل اثبات اختیار: ۱-۵-۲
- ۶۴.....اختیار بشرمخلوق اختیار خالق است ۲-۵-۲
- ۶۴.....مسئله مرگ ۶-۲
- ۶۵.....رابطه انسان و خدا ۷-۲
- ۶۷.....ابدال حق ۱-۷-۲
- ۶۷.....فقر ۱-۱-۷-۲
- ۶۸.....فنا ۲-۱-۷-۲

- ۶۸..... ۲-۷-۲- تصویر خدا
- ۷۰..... ۳-۷-۲- شناخت خدا:
- ۷۱..... ۸-۲- مسئله رنج هستی
- ۷۱..... ۱-۸-۲- خاستگاه درد و رنج
- ۷۳..... ۲-۸-۲- نحوه برخورد با درد و رنج:
- ۷۴..... ۳-۸-۲- مسئله خیر و شر
- ۷۵..... ۱-۳-۸-۲- برخی عوامل خیر
- ۷۵..... ۲-۳-۸-۲- برخی موانع خیر:
- ۷۶..... ۹-۲- انسان کامل
- ۷۶..... ۱-۹-۲- نگاهی اجمالی به انسان
- ۷۷..... ۲-۹-۲- انسان کامل مولوی
- ۷۸..... ۳-۹-۲- ویژگیهای انسان کامل
- ۷۹..... ۴-۹-۲- راه و روشهای نیل به کمال از نگاه مولوی
- ۸۲..... ۱۰-۲- خلاصه و مرور فصل اول
- ۳- انسان از دیدگاه کرکگور**
- ۸۶..... ۱-۳- ۱- اگزستانسیالیسم از گذشته تا حال:
- ۸۷..... ۱-۱-۳- ۱- اگزستانسیالیسم در قرون نوزدهم و بیستم:
- ۹۱..... ۲-۳- ۲- چیستی اگزستانسیالیسم
- ۹۲..... ۱-۲-۳- ۱- توجه به انسان و موضوعات آن
- ۹۲..... ۲-۲-۳- ۲- برخی مفاهیم تکراری در فلسفه وجودی
- ۹۴..... ۳-۳- ۳- تعریف و تحدید اگزستانسیالیسم
- ۹۴..... ۴-۳- ۴- اندیشه های مشترک اگزستانسیالیسم:
- ۹۴..... ۱-۴-۳- ۱- مساله وجود:
- ۹۵..... ۲-۴-۳- ۲- درون ماندگاری
- ۹۵..... ۳-۴-۳- ۳- آزادی و اختیار:
- ۹۶..... ۴-۴-۳- ۴- تصمیم و انتخاب:
- ۹۶..... ۵-۴-۳- ۵- عدم ارائه نظام اخلاقی منسجم:
- ۹۷..... ۶-۴-۳- ۶- دلهره و اضطراب

- ۹۷..... ۳-۴-۱- دلهره وجود
- ۹۷..... ۳-۴-۲- دلهره آزادی
- ۹۷..... ۳-۴-۳- دلهره اکنون و اینجا
- ۹۷..... ۳-۴-۷- گزاف بودن جهان:
- ۹۸..... ۳-۴-۸- موقعیت های مرزی:
- ۹۸..... ۳-۴-۹- نحوه ارتباط و ابلاغ پیام:
- ۹۸..... ۳-۵-۵- کر کگور: زندگی و آثار
- ۹۸..... ۳-۵-۱- سوانح احوال
- ۱۰۱..... ۳-۵-۲- آثار کر کگور
- ۱۰۳..... ۳-۶-۶- جهان بینی:
- ۱۰۴..... ۳-۷-۷- اصول اندیشه های کر کگور:
- ۱۰۴..... ۳-۷-۱- معرفی جایگاه انسان و تعریف آن
- ۱۰۶..... ۳-۷-۲- ویژگیهای اساسی وجود:
- ۱۰۷..... ۳-۷-۳- اصول اندیشه های کر کگور:
- ۱۰۷..... ۳-۷-۳-۱- مخالفت با فلسفه و سیستم هگلی:
- ۱۰۹..... ۳-۷-۳-۲- متناقض نماهای ایمان
- ۱۱۰..... ۳-۷-۳-۳- نظریه شناسایی:
- ۱۱۲..... ۳-۷-۳-۴- وجود و مقولات آن:
- ۱۱۷..... ۳-۷-۵- عقل و معرفت عقلانی از دیدگاه کر کگور
- ۱۱۸..... ۳-۷-۵-۱- تجربیات حسی:
- ۱۱۹..... ۳-۷-۵-۲- آگاهی تاریخی:
- ۱۲۰..... ۳-۷-۶- نقد عقلانیت:
- ۱۲۲..... ۳-۷-۷- مسئله وجود خدا:
- ۱۲۳..... ۳-۷-۸- خداوند و صفات او:
- ۱۲۶..... ۳-۷-۹- انفسی بودن و سیر باطنی
- ۱۲۸..... ۳-۷-۱۰- کر کگور و ایمان گروهی
- ۱۲۹..... ۳-۷-۱۰-۱- ایمان از دیدگاه کر کگور
- ۱۳۰..... ۳-۷-۱۰-۲- ایمان نوعی جنون

- ۱۳۰..... ۳-۷-۱۰-۳- جهش ایمانی
- ۱۳۱..... ۳-۷-۱۰-۴- اراده
- ۱۳۱..... ۳-۷-۱۰-۵- ایمان معرفت نیست
- ۱۳۲..... ۳-۸-۸- ویژگیهای عمومی انسان
- ۱۳۲..... ۳-۸-۱- ذومراتب بودن حیات انسانی:
- ۱۳۳..... ۳-۸-۱-۱- مرحله استحسانی:
- ۱۳۵..... ۳-۸-۱-۲- مرحله اخلاقی:
- ۱۳۶..... ۳-۸-۲- مرحله دینی:
- ۱۳۹..... ۳-۸-۲-۱- انسان و ایمان
- ۱۴۳..... ۳-۸-۲-۲- خودفراموشی
- ۱۴۳..... ۳-۸-۲-۳- خودفریبی و انکار نفس
- ۱۴۴..... ۳-۸-۲-۴- محدودیت انسان
- ۱۴۴..... ۳-۸-۲-۵- گناهگار بودن انسان
- ۱۴۵..... ۳-۸-۳- ویژگیهای انسان اصیل
- ۱۴۵..... ۳-۸-۳-۱- نخستین ویژگی انسان هستی دار، خودشناسی است
- ۱۴۵..... ۳-۸-۳-۲- ویژگی دوم بازگشت به اصل و منشاء هستی خود است
- ۱۴۵..... ۳-۸-۳-۳- ویژگی سوم انسان تفرّد است
- ۱۴۶..... ۳-۸-۳-۴- ویژگی دیگر فرد هستی دار انتخاب و گزینش است
- ۱۴۶..... ۳-۸-۳-۵- از ویژگیهای هستی دار دلهره داشتن است
- ۱۴۶..... ۳-۸-۳-۶- ویژگی دیگر انسان هستی دار احساس در پیشگاه خدا بودن است
- ۱۴۶..... ۳-۸-۳-۷- گذر از مرحله اخلاقی به دینی ویژگی دیگر فرد هستی دار است
- ۱۴۷..... ۳-۸-۳-۸- مهمترین ویژگی انسان اصیل رسیدن به مرحله دینی است

۴- مقایسه دیدگاههای مولوی و کرکگور درباره انسان

- ۱۵۲..... ۴-۱- نگاهی کلی به انسان
- ۱۵۳..... ۴-۲- نیروهای متضاد در انسان
- ۱۵۵..... ۴-۳- عقل
- ۱۵۷..... ۴-۴- تصویر خدا
- ۱۶۲..... ۴-۵- ساحات وجودی انسان

۶-۴- انسان کامل و انسان اصیل..... ۱۶۶

کتابنامه..... ۱۶۸

۱

کلیات

۱-۱- مقدمه

آنگاه که نقاش ازل قلم تقدیر در دست گرفت و طرح آفرینش کائنات را پی افکند. انسان را به نیکوترین صورت هستی عطا نمود^۱ و بدین سازندگی و شاهکار خویشتن را به صفت " احسن الخالقین " ^۲ بستود.

با پیدایش انسان گنجینه فیض الهی به منصفه ظهور رسید و خدای نموده شده که " کنت کنزاً مخفياً فأحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف " موجودی به ظاهر کوچک ولی به باطن عظیم - آنچنان که عالمی کبیر در آن تعبیه شده بود^۳ قدم به عرصه هستی نهاد و به معلمی ملائکک در عالم ملکوت و به جانشینی ذات اقدس حق - جل و علا - در عالم ملک مفتخر گشت، و با پذیرش گوهر امانت و اختیار بر همگان برآمد.

از دیر باز تا کنون دانشمندانی بزرگ کوشیده اند تا از انسان، این موجود برتر که به ظاهر "عالم اصغر" است و به معنی اکبر^۴ تعریفی جامع به دست دهند و این موجود ناشناخته را ضمن مطالعات و بررسیهای مستمر بشناسند و او را چنانکه هست معرفی کنند. اما هیچ یک به تعریفی که بتوان به آن صفت (جامع و مانع) داد نرسیده اند و چون هر کدام از زاویه ای خاص به وی نگریسته اند و در واقع گوشه هایی از دنیای پهناور درون و ابعاد پیچیده شخصیت او را از دیدگاه خود توصیف کرده اند، مآلاً تعریفهای متفاوتی را از او ارائه کرده و تصاویر مختلفی را صرفاً از سیمای باطنی انسان مصور ساخته اند.

۱-۲- کلیات تحقیق

انسان این پدیده شگفت انگیز عالم خلقت و رابطه او با خداوند و جهان هستی و یا دیگر هموعان خود، همواره اصلی ترین و مهمترین موضوع آثار فلاسفه و عرفا بوده است. حال مسئله

^۱ " لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم " سوره یس آیه ۴

^۲ " فتبارک الله احسن خالقین " سوره مومنون آیه ۱۴

^۳ اشاره به این بیت از مولای متقیان اتز عم انک جرم صغیر

و فیک انطوی عالم الاکبر
پس به معنی عالم اکبر تویی. مثنوی معنوی - دفتر ۴

اصلی مطرح در این رساله این است که آراء و نظریات دو اندیشمند بزرگ، مولانا جلال الدین رومی به عنوان یک عارف و متفکر اسلامی و کرکگور به عنوان یک اندیشمند ایمانگرای آگزیستانسیالیست را راجع به انسان مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم. و خواهیم کوشید تا توصیف های این دو شخصیت، از ابعاد وجودی انسان و مشابهت ها و افتراقات فکری این دو را راجع به انسان روشن کنیم و در نتیجه در این تحقیق خواهیم کوشید به موارد زیر پاسخ دهیم.

۱-۳- سؤالات تحقیق

۱- این دو متفکر در تعریف هویت انسانی و وجه تمایز او از سایر موجودات بر چه مؤلفه هایی تکیه می کنند؟ مولوی انسان را موجودی ترکیب یافته از جسم و روح می داند و جنبه روحانی او را از جانب آن وجود مطلق و خدای بزرگ می داند و جنبه جسمانی او را از خاک و اجسام دون می داند بدین ترتیب انسان موجودی دو وجهی است که سری در عرش دارد و پایی در فرش و انسان میان این دو ساحت گسترده است وی وجه تمایز انسان از سایر حیوانات را همان اراده و خاص بودن انسان می داند که این دیدگاه برگرفته از اندیشه های اسلامی و کتاب آسمانی است. از طرف دیگر کرکگور نیز انسان را موجودی منحصر به فرد و حداقل دارای دو جنبه جسمانی و روحانی می داند وی انسان را موجودی یکه و فرد می داند و وجه تمایز انسان را از سایر موجودات همان اراده که منجر به فرد بودن او می شود می داند.

۲- ابعاد و ساحت های وجودی انسان از نظر این دو متفکر کدامند؟

مولوی چنانکه گفته شد انسان را دارای دو جنبه می داند. جسم و روح، وی معتقد است که انسان میان این دو جنبه ساحت های گوناگونی دارد که از مرتبه دانی شروع شده تا به مرحله اعلی می رسد. او معتقد است که انسان در اثر یک گناه از مرحله اعلی هبوط کرده و اکنون باید تلاش کند تا به مقام از دست رفته برسد. انسان از ساحت حس و خیال که مرحله دانی و پست اوست شروع به تلاش و کوشش می کند و با پیراستن خود به مرحله اخلاق و عقل رسیده و در اثر استمرار و پیراستن زوائد به مرحله شهود و کمال می رسد و در این هنگام با ان کمال مطلق متحد شده و به پایگاه دیرینه خود می رسد. از طرق دیگر کرکگور نیز انسان را دارای سه جنبه حسی یا همان مرحله استحسانی، اخلاق، دینی می داند که تا حدود زیادی شبیه به عقیده مولوی است و انسان با گذار از این سه مرحله به مقام رفیع انسانیت می رسد، از نظر کرکگور بدون توجه به مسیحیت و فرامین آن گذر از این سه مرحله و رسیدن به مرحله کمال میسر نمی شود.

۳- جایگاه عقل، عشق، اراده و احساس در انسان از نظر این دو چگونه است؟ مولوی از آنجایی که عارف است با عقل گرایی و بوالفضولی های عقل فردی که فلاسفه سردمدار آن

هستند مخالف است و آنرا بی اعتبار میدانند، وی برای رستگاری و کمال عنصر احساس و اراده را مهم می داند و معتقد است که هرگاه این دو به صورت صحیح به کار گرفته شوند، انسان به مقام رفیع انسانیت می رسد و البته مولانا تمام هستی و خلق کائنات و استمرار آن را مدیون عشق می داند و از این سو نیز تمام تلاشهای انسان را در صورتی مسمر ثمر می داند که از ناحیه عشق باشد. از طرف دیگر کرکگور نیز با عقیده ای مشابه مولوی عقل را بی چیز و سست می شمارد و برای عشق و اراده و احساس ارزش والایی قائل است وی معتقد است که برای کمال به ایمان و عشق نیاز داریم و عقل در اثر تناقضات هستی به ستوه آمده و اصلاً راه عاشقی و کمال هیچگاه از مسیر عقل نمی گذرد.

۱-۴- پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن:

از آغاز تفکر فلسفی تا کنون اندیشمندان زیادی راجع به انسان و ویژگیهای آن بحث و گفتگو کرده اند از یونان قدیم، متفکرانی همچون سقراط، افلاطون، ارسطو و ... تا متفکرین قرن حاضر در غرب و شرق همچون کانت، دکارت، ابن سینا، ملاصدرا و... اما تاکنون تحقیق جامع و منسجمی به صورت تطبیقی و بخصوص راجع به این دو متفکر یعنی مولوی و کرکگور انجام نگرفته و تنها در پاره ای از موارد مقالات پراکنده ای عرضه شده است. از این رو ضرورت انجام چنین تحقیقی در حوزه فلسفه تطبیقی احساس می شد. بدین منظور نگارنده در حد استطاعت کوشیده به دلیل گستردگی موضوع، با طرح پاره ای از مسائل زمینه ای برای تحقیقات بعدی فراهم آورد و این تحقیق را فتح بابی جهت پژوهشهای بعدی در این زمینه می داند لازم به ذکر است از آنجایی که عقاید این دو متفکر راجع به انسان و ویژگیهای او و بطور کلی این دو در باب ساحات وجودی انسان، عقل، اراده، احساس، شبیه به هم است. همچنین اینکه افکار این دو بیشتر به انسان اختصاص یافته و به عبارتی اندیشه های این دو شرح و حال انسان از آغاز آفرینش و مراتب سیر او به سوی ابدیت است، از این رو ما این دو شخصیت را برگزیدیم. و به تأمل در باب اندیشه های آنها پرداختیم امید است که مورد قبول صاحبان اندیشه قرار گیرد.

۱-۵- اهداف و کاربردهای تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق عبارت است از:

۱- از آنجایی که نگاه مولانا به انسان نگاهی عمیق و فراتر از فلسفه های رایج و کلاسیک است و به همه ساحات های وجودی انسان توجه دارند، و از طرف دیگر تفکر کرکگور راجع به انسان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و نظرات قابل توجهی در این باره دارد و خود بنیانگذار

مکتبی است که از انسان آغاز می کند. لذا انجام این تحقیق می تواند قدمی در راه شناساندن انسان را بردارد.

۲- مقایسه و تطبیق خود موجب شناخت بیشتر می شود لذا بررسی آراء و اندیشه های این دو مارا به مسائل جدید و معرفت های جدید در باب انسان می رساند که خود انگیزه ای برای انجام چنین تحقیقی می شود.

۳ - شناخت عمیق انسان و ارائه انسان شناسی عرفانی، فلسفی را نیز می تواند از اهداف و کاربردهای این رساله به شماره آورد.

۴- انجام این رساله فتح بابی برای تحقیقات بعدی است و به عنوان منبعی برای پژوهشهای آتی مفید و ضروری می باشد.

۱-۶- روش انجام تحقیق:

نظر به اینکه گردآوری اطلاعات تحقیق از طریق کتابخانه ای و مؤسسات پژوهشی و مراجعه به آثار و مکتوبات عرفا و فلاسفه میسر بوده است، لذا پس از مطالعه و گردآوری اطلاعات از طریق فیش برداری به دسته بندی و تحلیل و تفسیر اطلاعات به دست آمده، پرداخته و با توجه به مسائل تحقیق و فرضیات پیش بینی شده مطالب مورد نظر به صورت مدون و مکتوب در آمد. بدین صورت که این رساله در چهار فصل؛ فصل اول کلیات، فصل دوم بررسی انسان از نگاه مولوی، فصل سوم انسان از نگاه کرکگور و فصل چهارم مقایسه و بررسی آراء این دو راجع به انسان؛ نگاشته شده است.

۲

انسان از دیدگاه مولوی

۲-۱- «در باره مولوی»

۲-۱-۱- زندگینامه:

نام او به اتفاق تذکره نویسان محمد و لقب او جلال الدین است و همه مورخان او را بدین نام و لقب شناخته اند و او را جز جلال الدین به لقب خداوندگار نیز می خوانده اند خطاب لفظ خداوندگار گفته بهاء ولد است. لقب مولوی که از دیر زمان میان صوفیه و دیگران بدین استاد حقیقت بین اختصاص دارد و در زمان خود وی و حتی در عرف تذکره نویسان قرن نهم شهرت نداشته و جزء عناوین و لقبهای خاص وی نمی باشد و ظاهراً این لقب از سوی عنوان دیگر یعنی مولانای روم گرفته شده باشد. مولد مولانا شهر بلخ است و ولادتش در ششم ربیع الاول سنه ۶۰۴ هجری قمری اتفاق افتاد و علت شهرت او به رومی و مولانای روم همان طول اقامت وی در شهر قونیه که اقامتگاه اکثر عمر وی و مدفن او می باشد، چنانکه خود وی نیز همواره خویش را از مردم خراسان شمرده و اهل شهر خود را دوست می داشته و از یاد آنان فارغ دل نبوده است.

پدر مولانا محمد بن حسین خطیبی است که به بهاء الدین ولد معروف شده او را سلطان العلماء لقب داده اند و پدر او حسین بن احمد خطیبی، به روایت افلاکی، از افاضل روزگار و علامه زمان بود. بهاء ولد از اکابر صوفیان بود، خرقة او به روایت افلاکی به احمد غزالی می پیوست و خویش را به امر به معروف و نهی از منکر معروف ساخته و عده بسیاری را با خود همراه کرده بود و پیوسته مجلس می گفت "هیچ مجلسی نبود که از سوختگان جان بازیها نشدی و جنازه بیرون نیامدی و همیشه نفی مذهب حکمای فلاسفه و غیره کردی و به متابعت صاحب شریعت و دین احمدی ترغیب دادی"^۱ خواص و عوام بدو اقبال داشتند و اهل بلخ او را عظیم معتقد بودند و آخر اقبال خلق خوارزمشاه را خائف کرد تا بهاء ولد را به مهاجرت مجبور ساخت. به روایت افلاکی و به اتفاق تذکره نویسان بهاء ولد به واسطه رنجش خاطر خوارزمشاه در بلخ مجال قرار ندید و ناچار هجرت اختیار کرد. وی قصد حج کرد و به جانب بغداد رهسپار گردید و چون به نیشابور رسید وی را به شیخ فرید الدین عطار اتفاق ملاقات افتاد و به گفته دولتشاه عطار خود "بدیدن بهاء الدین

^۱ بلخی، جلال الدین محمد، مولانا، کلیات دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات میلاد، ۱۳۸۰ ص ۴